

زایوه دید

نگاهی به نمایش «دروغ»، نوشته فلوریان زلر

و به کارگردانی آریان رضایی

دروغ این روزهای تئاتر ما

● **رسول نظرزاده:** در شرایطی هستیم که آنجان بیماری و دشواری تولید تئاتر در ایران (در دو شیوه عمده کم‌دی و نیمه‌موزیکال) رشد سرطانی کرده که نمی‌توان نقد را فارغ از دیدن این جریان به نگاهی در خود معطوف کرد. نقد «متن‌محور» و «اجرایسند» در این روزها چشم‌پسستن بر حرفه‌هایی است که روزبه‌روز بیشتر دارد اجراها را در خود می‌بلعد. شرایط به‌صحنه‌بردن تئاتر به شیوه خصولتی در ایران خود دروغ طنزآمیز آشکار/ پنهانی است؛ یعنی کاری که بتواند بارده اقتصادی و گردش مالی و «فایده» داشته باشد و حرفی نصفه‌ونیمه را هم به خود مخاطب بدهد و از معیارهای دولتی هم عبور نکند. پس به‌جای تمرکز بر بحران‌ها و مسائل درونی و کمتر پرداخت‌شده مسیری بارها آزموده‌شده و تمیز انتخاب می‌شود؛ یعنی انتخاب یک متن شهری/ آپارتمانی خارجی که نیاز به دگور زیادی نداشته باشد (با چند مبل و تخت ب‌سوان آن را جمع‌وجور کرد، چند بازیگر سینما و تئاتر چهره‌شده (که بیشترین هزینه اجرا، سهم راضی‌کردن آنها می‌شود)، چند تکه‌پرانی فکرشده در هنگام تمرین که به متن افزوده می‌شود و نامش را بازی‌نویسی یا ترجمه می‌گذارند، اگر شد چند ترانه و موسیقی شاد با بهانه و بی‌بهانه که در میانه صحنه پخش می‌شود (که گاه توأم با دم‌گرفتن تماشاگران می‌شود)، طراحی لباس خانگی و مدرن (با تبحر خاصی در جلوه‌گری و البته پوشیده‌نمایی) و رفتارها و گفت‌وگوهایی میانه رفتار ایرانی بالاشرعی و روشنفکری غرب‌نما و البته طنز که جاشنی یک شب خوب برای تماشاگران می‌شود تا با کفن‌زدن‌های پیایی، همه با رضایت به خانه بازگردند و تالار هم بتواند برای پرپودن صندلی‌هایش در تمامی ماه‌های سال مفتخر باشد. نکته جالب در بروشور تبلیغ اجاره مبل و چوب و صندلی و وسایل منزل برای اجراست که زحمت طراحی صحنه را هم کم می‌کند، ازاین‌رو در اجرا طراحی صحنه نمی‌بینیم و بیشتر با چند نمونه لوازم چوبی پذیرایی خانگی روبه‌رو هستیم که گوشه‌وکار صحنه چیده شده‌اند و آن آپارتمان بزرگ با تنها با چند پرده نقاشی در پس‌زمینه از درودیوار و آشپزخانه به نمایش درمی‌آید و حتی اتاقی که نقش کلیدی در اجرا دارد غیر قابل رؤیت است و با القای بازیگران متوجه می‌شویم یک نفر به اتاق خواب وارد شده و روی تخت ولو شده است و انتظار می‌آید که تماشاگر برای آن دلبلی مانند فیلم داگ‌ویل بتراشد (مثلا نشانه‌ای از نبود دیوارهای پنهان میان زن و شوهر) و… جالب است که موسیقی شاد در این اجرا کمتر شنیده می‌شود، پس فشار بیشتری بر بازی بازیگران برای جذب مخاطب آورده شده و اینجا یکی مسئولیت بر دوش افشای حاشیه‌ها افتاده است که با درشت‌نمایی در بازی و چهره‌اش می‌کوشد از تماشاگران خنده بگیرد و بر جنبه‌های طنز اجرا بیفزاید. واکنش‌های او در اجرا برخلاف جهت‌گیری به ظاهر به‌روز متن، هنوز باسهم‌ای و به‌شدت کهنه است. مرد در هنگام مواجه‌شدن با احتمال خیانت همسرش چنان رفتار سطحی و کلیشه‌ای از خود نشان می‌دهد که دلایل این‌همه چسبندگی او به زن در طیفه‌ای که در آن به‌سر می‌برد آشکار نمی‌شود (بازی رابطه که باید در آن آبدیده شده باشد)، رفتاری که علاوه‌بر طنز موقعیت بر مبنای پیچیدگی انسان‌های مدرن و خودکاذب نباشد. «کم‌دی روزنه» در اجرا درباره احتمال دروغ و خیانت در زندگی و شوهر خیلی زود تبدیل به «کم‌دی رفتار و کلام» و التماس‌های مرد می‌شود و زن (لادن مستوفی) اغلب خونسرد و با بیانی سینمایی و بدون طنز دیده می‌شود که صدایش گاه برای تماشاگران چندان واضح نیست. دلایل بحران اخلاقی او در هنگامی که او به‌جای تمرکز و تدهک روی جنبه‌های درونی‌تر ازدواج، بیشتر بر قول‌گرفتن‌های سطحی و دروغ‌ن گفتن مرد بافشاری می‌کند چندان قابل درک نیست.

نمی‌توان از جایگاه طبقاتی و روانی که این اجرا

بر پایه‌های آن استوار شده است غفلت کرد و تنها

به معلول و زمینه روزمره این چشم دوخت. دروغ زمینه‌های تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و… دارد. در همه این زمینه‌ها اگر با چندپارگی اهداف و عملکرد و فاصله خواسته شخصی و فایده جمعی روبه‌رو شویم خودبه‌خود زمینه‌های دروغ و فساد را گسترش داده‌ایم. هنگام دیدن اجرا به دلیل انتخاب و اجرای این متن در ایران فکر می‌کردم. در دورانی هستیم که دروغ و تقلب و پول‌شویی و… چنان گسترده شده که «خردجهانیت‌های ناشی‌و خالکی» این نمایش حتی دیگر به چشم نمی‌آید. (این موضوع در این سال‌ها به شکل‌های مختلف در تئاتر ایران اجرا شده است) هرچند دروغ‌های بزرگ هم ابتدا خود را در دروغ‌های غیراخلاقی خانه نشان می‌دهند. دروغ در فضای این نمایش بدون گسترش آن به جنبه‌های اقتصادی و مالی و طبقاتی و سیاسی‌اش بیشتر جنبه‌ای خانگی و خُرد یافته که تلاش اجرا برای گسترش آن به مناسبات عام (با این نتیجه‌گیری مصلحانه که بهتر است گاهی چشم‌های را ببندید) بی‌ثمر می‌ماند. دیدن دروغ در سطوح مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی چیزی است که نیاز به تعمق و تمرکز بیشتر و نفوذ به میدان‌هایی دارد که این اجرا چشم بر آنها بسته است. باید گفت علی‌رغم ژست شفافیت و به‌روزبودن اجرا، در جریان مناسبات نادرست اقتصادی این روزها با تکیه بر جذایت‌های سطحی تئاتر، نمایش «دروغ» به‌ناچار به خود و مخاطب دروغ می‌گوید.

گروه هنر: یازدهمین حراج تهران (هنر کلاسیک و مدرن ایران) شامگاه جمعه، ۱۴ تیر ۱۳۹۸، و حضور جمعی از مجموعه‌داران، گالری‌داران، و خریداران آثار هنری در هتل پارسیان آزادی برگزار شد.

برونده این دوره از حراج تهران در حالی بسته شد که با فروش کلی ۴۲میلیاردو ۲۰۴ میلیون تومان رشد ۳۵درصدی را در مقایسه با دوره مشابه سال قبل (نهمین حراج تهران) نشان می‌داد.

یازدهمین دوره از حراج تهران در حالی به پایان رسید که مجموع فروش آثار ارائه‌شده ۴۲میلیاردو ۲۰۴ میلیون تومان اعلام شد، شش اثر به فروش نرسید و آثار زیادی نیز به قیمت پایین خود چکش خوردند. رکورد فروش این دوره در اختیار مجسمه «سر شاعر» اثر پرویز تناولی قرار گرفت که با قیمت سه‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان به فروش رسید. رکورد دیگر این‌دوره از حراج تهران ورود ۱۲ اثر به گردونه آثار میلاردی بود. در دوره دهم، تنها هفت اثر بالاتر از یک میلیارد تومان چکش خورد و در دوره نهم نیز پنج اثر میلاردی به فروش رسید. مجموع ۱۲ اثر میلاردی این حراج با فروش کل ۲۳میلیاردو ۸۰۰ میلیون تومان توانستند ۵۶ درصد از فروش کل این دوره از حراج را از آن خود کنند. همچنین ۱۴ اثر بالاتر از ۵۰۰ میلیون تومان و ۳۷ اثر بالای از صد میلیون تومان چکش خورد و ۱۱ اثر زیر صد میلیون تومان فروخته شد.

در این دوره آثار هشت هنرمند برای نخستین بار وارد حراج تهران شد که شامل آثار بهمن نیکو، محسنی‌کرمانشاهی، وثوق احمدی، حسنعلی وزیر، ابراهیم فرجی، محمدحسین مصورالملکی، عباس رسام‌ارزنگی و محمدحبیب محمدی می‌شود.

از محمود فرشچیان خالق تابلوی معروف «عصر عاشورا» و طراح ضریح امام حسین (ع) یک اثر نگارگری با موضوع عروج حضرت عیسی (ع) در این دوره ارائه شد که توانست رکورد یک‌میلیاردو ۲۵۰ میلیون تومانی این هنرمند را در دوره هشتم بشکند و با قیمت نهایی دو میلیارد تومان در شمار آثار گران‌قیمت این حراج بنشیند. در جریان برگزاری این حراج، اعلام شد که یکی از آثار حسین زنده‌رودی (شماره ۵۶) از گردونه حراج خارج شده و به‌این‌ترتیب ۷۹ اثر و ۶۰ هنرمند عرضه شد که از این میان پنج اثر از یک‌خسرو خروش، بهمن نیکو، هوشنگ پرشک‌نیا، رضا مافی و محمد احصایی فروخته نشدند. اجرای مراسم یازدهمین حراج تهران «هنر کلاسیک و مدرن ایران» را حسین پاکدل بر عهده داشت.

آثارمیلاردی

از پرویز تناولی هنرمند خوش‌اقبال حراج‌های بین‌المللی منطقه خاورمیانه، دو اثر در یازدهمین حراج تهران عرضه شد. مجسمه برنزی «سر شاعر» این هنرمند یکی از دو اثر گران‌قیمت این دوره از حراج بود که نسخه شماره یک این اثر از تعداد سه نسخه با قیمت پایه سه تا چهار میلیارد تومان توانست به فروش سه‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان دست یابد و بر سکوی گران‌ترین اثر این حراج بنشیند. مجسمه برنزی دیگری از این هنرمند از مجموعه مجسمه‌های «هیج» و با همین عنوان در یازدهمین دوره حراج تهران با قیمت کمینه و بیشینه ۱،۵ میلیارد تا دو میلیارد تومان ارائه شد که به فروش یک‌میلیاردو ۶۰۰ میلیون تومان رسید.
منیر (شاهرودی) فرمانفرماییان (۱۳۹۸-۱۳۱۰) ازجمله رکورددار دوره قبلی حراج تهران (دهمین حراج) است که با فروش یک تابلو چهار میلیاردتومانی بر صدر جدول فروش حراج دهم نشست و در یازدهمین دوره نیز با سه اثر حضور داشت.

اثر بدین عنوان این هنرمند قنبد یک در ابعاد ۷۰×۷۰×۹۷ سانتی‌متر، با تکنیک آینه‌کاری، نقاشی پشت پلکسی گلاس و گچ روی چوب اجرا شده و به آثار متاخر او تعلق دارد، با قیمت پایه سه تا چهار میلیارد تومان عرضه شد و سه میلیارد تومان چکش خورد. این اثر متعلق به مجموعه خصوصی خانواده هنرمند است.

اثر دیگر این هنرمند با عنوان «آسمان آبی» نیز با تکنیک آینه‌کاری، نقاشی پشت شیشه و گچ روی چوب در ابعاد ۹۸×۹۸ سانتی‌متر ارائه شد و با عبور از قیمت پایه به رقم دومیلیاردو صد میلیون تومان فروخته شد. این اثر در سال ۱۳۹۶ در هفتمین حراج تهران ارائه شده بود.

سومین اثر منیر فرمانفرماییان یک تابلوی نقاشی آبرنگ روی مقوا مربوط به سال ۱۳۴۵ است که با قیمت پایه ۲۵۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان ارائه و در نهایت ۳۳۰ میلیون تومان فروش رفت.

سهراب سپهری، رکورددار فروش همه ادوار حراج تهران، در این دوره نیز با دو تابلوی بدون عنوان مربوط به دهه ۱۴۰۵، حضور داشت که هر دو اثر با قیمت پایه دو تا سه میلیارد تومان به مزایده گذاشته شد.

یکی از این آثار که با تکنیک رنگ و روغن روی بوم و در ابعاد ۱۰۲×۸۴ سانتی‌متر عرضه شد، پیش‌ازاین در اکتبر ۲۰۱۷ در حراج کریستیز لندن ارائه شده بود و در یازدهمین حراج تهران نیز توانست به فروش دومیلیاردو ۲۰۰ میلیون تومانی دست یابد. اثر دیگر سهراب سپهری نیز با همین تکنیک و در ابعاد ۱۰۰×۷۰ سانتی‌متر عرضه شد. این اثر در سیمایر ۱۹۶۳ در هفتمین بی‌ینال ساونپائولو برزیل ارائه شده بود که در یازدهمین حراج تهران با قیمت دو میلیارد تومان چکش خورد.



از حسین زنده‌رودی دو اثر به یازدهمین حراج تهران رسیده بود که یکی از این آثار در آخرین روزها قبل از برگزاری حراج، بنا به خواست صاحب اثر از فهرست آثار حراج کنار گذاشته شد. اثر دوم حسین زنده‌رودی در این دوره با عنوان «سین+لام» متعلق به سال ۱۳۴۹ عرضه شد که این اثر با قیمت پایه دو تا سه میلیارد تومان عرضه شد و روی رقم دو میلیارد تومان چکش خورد.

بزرگ‌ترین اثر عرضه‌شده در حراج یازدهم، اثر سه‌لته‌ای آیدین آغداشلو از مجموعه «خاطرات انهدام» مربوط به سال ۱۳۸۸ بود. این اثر با عنوان «انهدام کیهانی» با تکنیک رنگ و روغن روی بوم در ابعاد ۳۵۰×۲۰۰ سانتی‌متر و با قیمت کمینه و بیشینه ۱،۵ میلیارد تا دو میلیارد تومان پیش‌روی خریداران قرار گرفت و در نهایت روی رقم یک‌میلیاردو ۶۰۰ میلیون تومان چکش خورد.

از آثار حسین زنده‌رودی (شماره ۵۶) از گردونه حراج خارج شده و به‌این‌ترتیب ۷۹ اثر و ۶۰ هنرمند عرضه شد که از این میان پنج اثر از یک‌خسرو خروش، بهمن نیکو، هوشنگ پرشک‌نیا، رضا مافی و محمد احصایی فروخته نشدند. اجرای مراسم یازدهمین حراج تهران «هنر کلاسیک و مدرن ایران» را حسین پاکدل بر عهده داشت.
آثارمیلاردی
از پرویز تناولی هنرمند خوش‌اقبال حراج‌های بین‌المللی منطقه خاورمیانه، دو اثر در یازدهمین حراج تهران عرضه شد. مجسمه برنزی «سر شاعر» این هنرمند یکی از دو اثر گران‌قیمت این دوره از حراج بود که نسخه شماره یک این اثر از تعداد سه نسخه با قیمت پایه سه تا چهار میلیارد تومان توانست به فروش سه‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان دست یابد و بر سکوی گران‌ترین اثر این حراج بنشیند. مجسمه برنزی دیگری از این هنرمند از مجموعه مجسمه‌های «هیج» و با همین عنوان در یازدهمین دوره حراج تهران با قیمت کمینه و بیشینه ۱،۵ میلیارد تا دو میلیارد تومان ارائه شد که به فروش یک‌میلیاردو ۶۰۰ میلیون تومان رسید.
منیر (شاهرودی) فرمانفرماییان (۱۳۹۸-۱۳۱۰) ازجمله رکورددار دوره قبلی حراج تهران (دهمین حراج) است که با فروش یک تابلو چهار میلیاردتومانی بر صدر جدول فروش حراج دهم نشست و در یازدهمین دوره نیز با سه اثر حضور داشت.

تابلو رنگ و روغن روی آلومینیوم، کشیده‌شده روی فیبر اثر بهجت صدر، مربوط به دهه ۱۳۵۰

که پیش‌ازاین در اکتبر ۲۰۰۸ در حراج کریستیز دوبی ارائه شده بود، در یازدهمین حراج تهران با قیمت پایه یک تا ۱،۵ میلیارد تومان ارائه و در نهایت با رقم ۱،۵ میلیارد تومان فروخته شد.

مسعود عریضاهی نیز دو اثر در این دوره داشت که یکی از این آثار با تکنیک طباق و ترکیب مواد روی بوم و با قیمت پایه ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان پیش‌روی خریداران قرار گرفت

و توانست با دو برابر قیمت پایه به فروش یک میلیارد تومانی دست یابد. اثر دیگر او نیز با برآورد قیمت ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان عرضه شد و روی رقم ۶۰۰ میلیون تومان فروخته شد.

آثاربالای ۵۰۰میلیون تومان

از محمد احصایی، از دیگر هنرمندان خوش‌اقبال حراج‌های بین‌المللی منطقه خاورمیانه، دو اثر در یازدهمین حراج تهران بود.

یکی از آثاراین هنرمند که در سال ۱۳۹۶ با تکنیک اکریلیک روی بوم خلق شده است، در این دوره با قیمت کمینه و بیشینه ۲۰۰ تا ۹۰۰ میلیون تومان ارائه شد و روی رقم ۸۵۰ میلیون تومان چکش خورد. اثر دیگر این‌ هنرمند با عنوان «در پاش فقه‌دام به زاری/ آيا بود آن که دست گیرد» به فروش نرسید.

از حسین کاظمی نیز دو اثر به این حراج رسید که یکی از آنها با قیمت پایه ۷۰۰ تا ۹۰۰ میلیون تومان عرضه شد و به فروش ۸۰۰ میلیون تومانی دست

هنر

تناولی رکورددار بالاترین قیمت شد

۴۲میلیاردمجموع فروش آثار یازدهمین حراج تهران



عکس: محسن عطایی، فارس

یافت. اثر دیگری از این هنرمند فقید نیز مربوط به سال ۱۳۲۸ با قیمت پایه صد تا ۱۵۰ میلیون تومان، روی رقم ۱۶۰ میلیون تومان چکش خورد.

کوروش شیشه‌گران نیز با یک تابلو با عنوان «میز» در این حراج حضور داشت که ازجمله آثار متاخر اوست و با برآورد قیمت ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان درنهایت ۷۵۰ میلیون تومان فروخته شد.

بهمن دادخواه با یک مجسمه برنزی با عنوان «خانواده» از مجموعه «گروگان‌ها» در این حراج حضور داشت که با قیمت پایه ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان به خریداران عرضه و در نهایت ۷۰۰ میلیون تومان فروخته شد.

از ابوالقاسم سعیدی دو اثر در این دوره از حراج ارائه شد که یکی از این آثار با برآورد قیمت ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان، در نهایت روی رقم ۶۰۰ میلیون تومان چکش خورد. نقاشی دیگر او نیز مربوط به سال ۱۳۳۵ با قیمت پایه ۱۲۰ تا ۱۶۰ میلیون تومان «ارامش در کوسر» در نهایت ۲۰۰ میلیون تومان فروخته شد.

یکی از تابلوهای نقاشی شنی محسن وزیریمقدم با قیمت پایه ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان عرضه شد و روی رقم ۵۸۰ میلیون تومان چکش خورد. این اثر پیش‌ازاین در اکتبر ۲۰۱۴ در حراج یونامز لندن ارائه شده بود.

فریده لاشایی نیز با دو اثر در این دوره از حراج حضور داشت. یکی از آثار او در این‌ حراج، یک تابلوی نقاشی دولته‌ای بود که با برآورد قیمت ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان، روی رقم ۵۵۰ میلیون